

## شارل اوگوست بریو

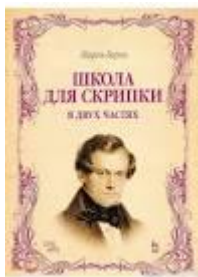
[به مناسبت دویست و بیستمین سال زاد موسیقی دان]

زاده ۲۰ ماه فوریه سال ۱۸۰۲

از دنیا رفته در تاریخ ۸ ماه آوریل سال ۱۸۷۰

### آهنگ ساز، نوازنده، آموزش گر بلژیکی

مدرسه ی بریو درباره ویولون تا چندی پیش شاید کاربردترین آموزش نامه برای ویولون نوازان تازه کار به شمار می آمد، و امروزه آموزگاران گاه و بی گاه از آن بهره می گیرند. تا امروز هنرآموزان آموزشگاه های موسیقی رویاها [فانتازیاها]، دگرگونی های موسیقیایی [واریاسیون ها] و کنسرتوهای بریو را می نوازند. داده های نوشته شده آوازی-آهنگین و «ویولونی»، ارزشمندترین داده های آموزشی به شمار می آیند. بریو اجراکننده بزرگی نبود، بلکه آموزگاری بزرگ بود که دوران خود را کمی در دیدگاه ها بر آموزش موسیقی آشکار کرد. بیهوده نیست که در میان هنرآموزان او ویولونیست های همچون هانری ویوتان، یوسف والتر، یوهان کریستیان لائوترباخ و یزوس موناستریو دیده می شوند. ویوتان آموزگار خود را در همه زندگی اش همچون آفریدگار به شمار می آورد.



اما سخن تنها از دستاوردهای کنش گیری آموزش گرانه خود او نمی رود. بریو بی گمان رهبر مدرسه ی ویولونی سده نوزدهم بلژیک به شمار می آید، که به دنیا اجراکنندگان نامداری همچون آرتو، گیس، ویوتان، لئونور، امیل سیروه، اژن ایزایی پیشکش کرد.

بریو از خانواده درباری دیرینی سرچشمه می گرفت. او در تاریخ ۲۰ فوریه سال ۱۸۰۲ در لهون به دنیا آمد و در کودکی هم پدر و هم مادر خود را از دست داد. خوشبختانه، درایشات نارومره [غیر معمولی] پیرامون او را به سوی خود کشید. آموزگار موسیقی تیپو در آموزش ابتدایی شارل کوچک هنبازی کرد. بریو با پشتکار بسیار کار می کرد و دیگر در ۹ سالگی برای نخستین بار با نواختن یکی از کنسرتوهای ویوتی در برابر دوست داران موسیقی برنامه اجرا کرد.

دانش همگانی - استاد زبان فرانسوی و فرهنگ نوشتاری [ادبیات]، بشردوست دانشمند، ژاکوتو که بر روی روش - آموزشی «همگانی»، که برپایه آن هوده‌های [اصول] خودآموزی و خودسازماندهی - مینوی [روحی] جای داشتند، بر گسترش مینوی - بریو درایش بسیاری گذاشتند. با کشش به سوی روش او، بریو تا ۱۹ سالگی سرگرم خودآموزی بود. در ابتدای سال ۱۸۲۱ او برای دیدار با ویوتی که در آن زمان سرپرست - خانه‌ی نمایش آوازی بزرگ - [گرانداپرا] بود، به پاریس رفت. ویوتی به ویولون‌نواز جوان خوش‌رویی نشان داده و بنابر پیشنهاد او شروع به آموزش نزد بایو کرد، که در آن زمان استاد برجسته‌ی آموزشگاه والای موسیقی پاریس به‌شمار می‌آمد. جوان حتی یک‌بار نیز از آموزش نزد بایو خودداری نکرد و با درستی - [دقت] بسیار روش آموزشی او را یاد می‌گرفت و آنها را نزد خود آزمایش می‌کرد. پس از بایو او چندی نزد - آندره ژب برشت آموزش دید و در اینجا آموزش او به‌پایان رسید.

نخستین اجرای بریو در پاریس او را بسیار نام‌دار ساخت. دوست‌داران موسیقی از نوازندگی خودویژه، نرم، سرایش - گرانه‌ی او بسیار خوش‌شان آمد، زیرا همراه با حال و هوای احساساتی - رومانتیکی تازه بود که پس از سال‌های مهیب دگردیسی و جنگ‌های ناپلئونی به‌سختی گریبان پارسی‌ها را گرفته بود. دست‌آورد - کامیابی در پاریس آن بود که بریو از انگلیس فراخوان دریافت کرد. گردش‌گری هنری در آنجا با کامیابی بسیار همراه بود. به‌هنگام بازگشت به میهن، شاه هلند بریو را با دست‌مزد چشمگیر ۲۰۰۰ فلورین در سال تکنواز درباری کرد.



دگردیسی - سال ۱۸۳۰ به خدمت او در دربار پایان داد و او بار دیگر به جایگاه پیشین ویولونیست کنسرت‌دهنده بازگشت. کمی پیش از این، در سال ۱۸۲۹ بریو به پاریس رفت، تا هنرجوی جوان خود، هانری ویوتان، را بشناساند. در اینجا، در یکی از تالارهای پارسی، او با زن آتی خود، خواننده‌ی نام‌دار نمایش آوازی، ماریا مالیران گارسیا آشنا شد.



داستان مهر آنان اندوه‌ناک بود. ماریا دختر بزرگ خواننده‌ی آوای زیر مردانه [تنور]، گارسیا، در پاریس در سال ۱۸۰۸ زاده شد. با درایشی درخشان، او در کودکی نزد هرولد شروع به آموزش - آهنگ‌سازی و نوازندگی پیانو کرد، بر چهار زبان چیرگی داشت، و آوازخوانی را نزد پدر یاد گرفت. در سال ۱۸۲۴ نخستین اجرای او در لندن برگزار شد، در جایی که او در کنسرت برنامه اجرا کرده، و در ۲ روز بخش روزینا در «آرایشگر شهر سویل» رُسینی را بجای پاستای بیمار شده آموخت. در سال ۱۸۲۶ ناسازگار با خواسته‌ی پدر، او به همسری آهنگ‌ساز فرانسوی، مالیران درآمد. پیوند زن و شوهری ناکامیاب از آب درآمد و زن - جوان، با رهاسازی - شوهر، به سوی پاریس رفت و در آنجا در سال ۱۸۲۸ جایگاه تکخوان - نخست‌خانه‌ی نمایش آوازی بزرگ [گرانداپرا] را به‌دست آورد. در یکی از تالارهای پارسی او با بریو آشنا شد. جوان باریک‌بین بلژیکی، درایش فریبنده‌ی آتشی بر این زن اسپانیایی گذاشت. او جوان را از مهر خود آگاه ساخت. اما داستان بلند مهر آنان همراه با چواندازی و گفت‌وگو در میان «بالادستی‌ها» بود. با رفتن از پاریس، او به ایتالیا رفت.

زندگی آنان در گردش‌گری‌های کنسرتی ناگسستی می‌گذشت. در سال ۱۸۳۳ پسر آنان شارل ویلفرید بریو به دنیا آمد، که سپس بدل به پیانیست و آهنگ‌سازی برجسته شد. چندین سال مالییران پایدارانه در تلاش بود تا از شوهر خود جدا شود. اما آزاد شدن از پیمان زن و شوهری تنها در سال ۱۸۳۶ روی داد، یعنی پس از ۶ سال آزاردهنده برای او همچون دلبر [معشوقه] بریو. بی‌درنگ پس از جدایی از شوهر خود، در پاریس جشن ازدواج او با بریو برپا شد، که در آن تنها لابلاش و تالبرگ هنبازی [حضور] داشتند.

ماریا خوشبخت بود. او با شور بسیار زیر نام تازه‌ی خانواده‌ی خود دستینه [امضاء] می‌کرد. اما سرنوشت در اینجا نیز نسبت به زوج بریو سنگ‌دل بود. ماریا که به سوارکاری خو گرفته بود در یکی از گردش‌گری‌ها از اسب به پایین افتاد و کوبش سختی به سرش وارد شد. او این رویداد را از شوهرش پنهان ساخت، بدون آنکه کاری برای تندرستی خود کند و بیماری، به‌زودی گسترش پیدا کرده، او را هلاک کرد. او هنگامی که تنها ۲۸ سال داشت از دنیا رفت! مات از مرگ همسر خود، بریو تا سال ۱۸۴۰ از افسردگی روانی بی‌اندازه‌ای رنج برد. او بیش و کم دست از کنسرت دادن کشید و در خود فرورفت. به‌راستی او دیگر نمی‌توانست از این کوبش صددرصد بهبود پیدا کند.

در سال ۱۸۴۰ او دست به گردش‌گری بزرگ در آلمان و اتریش زد. در برلین با نوازنده‌ی نام‌دار روسی، آ. ف. ال‌وُف که دوست‌دار ناحرفه‌ای ویولون بود، دیدار و با او موسیقی‌نوازی کرد. هنگامی که او به میهن بازگشت، جایگاه استادی آموزشگاه والای موسیقی شهر بروکسل به او پیشنهاد شد. بریو این پیشنهاد را با خوشنودی پذیرفت.

در ابتدای سال‌های ۵۰ رویداد ناگوار دیگری گریبان او را گرفت. بیماری فراگیر چشمان! در سال ۱۸۵۲ او ناچار شد تا دست از کار بکشد. ۱۰ سال پیش از مرگ، بریو صد در صد نابینا شد. او در ماه اکتبر سال ۱۸۵۹، دیگر نیمه نابینا، به پتریورگ به‌نزد شاهزاده نیکولای باریسوویچ یوسوپوف (۱۸۹۱-۱۸۲۷) می‌رود. یوسوپوف ویولونیست و دوست‌دار روشن‌اندیش موسیقی، هنرجوی ویوتان، او را برای پذیرش جایگاه سرپرست بنیادین دسته‌ی آوازی خانگی به‌نزد خود فراخواند. بریو از ماه اکتبر سال ۱۸۵۹ تا ماه مه سال ۱۸۶۰ در خدمت شاهزاده بود.

پس از روسیه بریو بیشتر در بروکسل، در جایی که در تاریخ ۱۰ ماه آوریل سال ۱۸۷۰ از دنیا رفت، زندگی می‌کرد.

هنر اجرایی و هنر آفرینشگرانه‌ی بریو با آیین‌های [سنت] مدرسه‌ی کلاسیک ویولونی فرانسه-ویوتتی و بایو-پیوند خورده بود. اما او به این آیین‌ها ویژگی درایشناک [احساساتی]-رمانتیک بخشید. او هم با رمانتیسیم توفانی پاکانی و هم با رمانتیسیم «ژرف‌اندیشانه» شوپن بیگانه بود. گلیه‌ی نرم بریو و باریک‌بینی او برای سرایش‌گری ویژه بودند، و برای پارچه‌های موسیقیایی تند، تیزنگری و نرمی، بافت موسیقیایی ساخته‌های او، ساده و روشن، با نگره‌های گرد، نشان‌دار به‌شمار می‌آیند. روی هم‌رفته اما موسیقی او دارای یورش-تالارگونه و ژرفای نابسنده است.

ارزش‌گذاری‌کننده درباره‌ی موسیقی او را ما نزد و. ادیوسکی می‌بینیم: «دگرگونی‌های موسیقیایی [واربسیون‌های] آقای بریو، آقای کالیوُدا و tutti quanti به چه معنا هستند؟ چند سال پیش در فرانسه دستگاهی به‌نام componuum ساخته شد، که خودش دگرگونی‌های موسیقیایی را بر روی هر گونه جستار موسیقیایی [تم] می‌ساخت. آقایان امروزی از این دستگاه تقلید می‌کنند. در ابتدا شما پیشگفتار موسیقیایی را می‌شنوید، همچون یک آوازخوانی گفتاری؛ سپس جستار موسیقیایی، سپس لرزش [تریول]، سپس نت‌های دارای پیوند دوگانه، سپس staccato پرهیزناپذیر، و با pizzicato پرهیزناپذیر، سپس adagio و در پایان، برای خوشنودی پنداری دوست‌داران موسیقی و شک‌کنان و همه جا یک چیز و همان چیز!».

می‌توان با پردازش ویژه‌ی نمونه‌ای سبک بریو هم‌رای بود، که زمانی وسه‌وُلود چش‌خین به کنسرتوی هفتم او داد: «کنسرتوی هفتم که دارای ژرفای ویژه‌ای نیست، کمی احساساتی، اما بسیار باریک‌بینانه و بسیار درایش‌گذار [تاثیرگذار] است. موزای [یکی از] نه ایزد زنانه پشتیبان هنر نزد یونانیان باستان] بریو ... بیش از هر کس، تسیتسیلو کارلو دوچیو، نگاره‌ی بویژه دوست‌داشتنی نمایشگاه شهر درسدن برای زنان را به‌یاد می‌آورد، موزایی با رنگ‌پردگی-گیرای احساساتی، شکننده، آتشی‌مزاج امروزی یک زن موبور با انگشتکان باریک و چشمان پایین‌رفته کرشمه‌کنان».

بریو آهنگساز بسیار پرکاری بود. او ۱۰ کنسرتوی ویولون، ۱۲ آریا به همراه دگرگونی‌های آهنگین [واریاسیون‌ها]، ۶ دفتر دوباره‌نوازی‌ها [آتود] برای ویولون، پارچه‌های موسیقایی بسیار برای اجرا در تالارها، ۴۹ دوتایی‌های [دوئت] کنسرتی درخشان برای فورته پیانو و ویولون ساخت، که بیشتر آنها در دوستی با پیانونوازان نام‌داری چون هرتس، تالبرگ، آسپورن، بندیکت و وُلف نوشته شدند. این کارها عبارت بودند از ژانر کنسرتی، برپایه دگرگونی‌های آهنگین برای اجرای زیردستانه [ویرتئوزیک].

بریو ساخته‌هایی بر روی جستارهای موسیقایی روسی نیز دارد، برای نمونه رویا [فانتازیا] بر روی آواز آ. دارگومیژسکی، «دوشچکا. دویتسا [دخترک گرامی‌ام]» اپوس ۱۱۵، پیشکش ویولونیست روسی، ای. سمیون. به این ساخته باید مدرسه برای ویولون در ۳ بخش، با بخش افزودنی «مدرسه فراسوی ویولن» (Ecole transdante du violon)، دربرگیرنده ۶۰ دوباره‌نوازی را نیز افزود. مدرسه بریو سوبیه‌های ارزشمند شیوه آموزشی او را آشکار می‌سازد و نشان می‌دهد، که او چه ارزشی را به گسترش موسیقایی هنرآموز بدیده داشته. نویسنده، نُت‌خوانی - آوازخوانی بگونه شنیداری - را همچون روش کارآی گسترش پیشنهاد می‌کند. او نوشت: «سختی‌هایی که در ابتدای یادگیری نواختن ویولون وجود دارند، با گذراندن دوره نُت‌خوانی تا اندازه‌ای برای هنرجو کاهش پیدا می‌کنند. با آسان شدن نُت‌خوانی، او می‌تواند دیگر توجه خود را تنها بر ساز خود بگذارد و آنرا بدون نیروی بسیار جنبش انگشتان خود و کمان ویولون رهبری کند».

بنابر اندیشه بریو، نُت‌خوانی، گذشته از آن، کمک دیگری است تا آدم شروع به شنیدن آن چیزی کند که چشم می‌بیند و آن چیزی را که گوش می‌شنود، ببیند. با بازخوانی ملودی با آوای خود و یادداشت آن، هنرآموز هوش خود را نیرومند ساخته و همه سایه روشن‌ها، کوبش‌ها [تشدیدسازی] و رنگ ملودی را نگاه‌دارد. روشن است که، مدرسه بریو پارینه [قدیمی] شده. اما در آن روش شنوایی آموزش که روش پیشروی کار آموزشی موسیقایی امروزی به‌شمار می‌آید، ارزشمند است.

بریو دارای آوای زیبای نه چندان بسیار، اما صد در صد ناروشن بود. این سروده، سرایش‌گر ویولون بود. در سال ۱۸۴۱ هاینه در نامه‌ای از پاریس نوشت: «گه‌گاه نمی‌توانم از آن انگاره دور شوم، که گویا در ویولون بریو روان همسر از دنیا رفته او جای دارد و می‌خواند. تنها ارنست، بوهمیایی سرایش‌گر می‌تواند از ساز خود این چنین آواهای نرم، نازک و شیرین بیرون کشد.

ل. را این

برای آشنایی [بیشتر] با هنر آفرینش‌گرانه بریو پیشنهاد می‌کنم به ساخته‌های زیر آهنگ‌ساز گوش داده شود:

. کنسرتوهای شماره دو، سه، چهار، پنج، هفت برای ویولون با همراهی ارکستر،

، Scène de ballet, Op. 10.

. سرناد اپوس ۱۲۴

برگردان نوشته‌ای درباره شارل اوگوست بریو در برگ اینترنتی «belcanto.ru» از زبان روسی به زبان پارسی و گزینش برخی از نگاره‌ها از بابک بردیا (آهنگساز، پروفیسور [استاد] رشته‌های دانش همگانی [تئوری] موسیقی، ماستر [استاد] هنرهای زیبا، نوازنده پیانو و آموزگار در این رشته‌ها!)